

گیلان فردا- شماره ۱۲- خرداد ۱۴۰۴

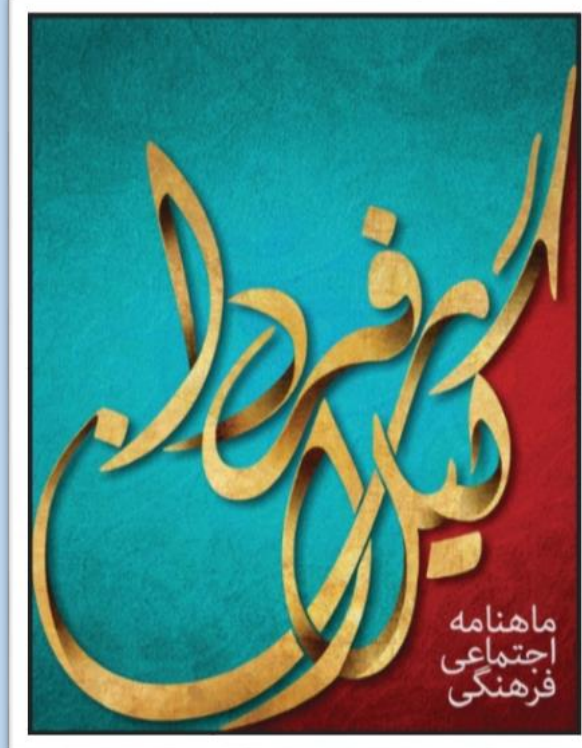
رسیدن به صلح از راه جنگ

جنگ همه چیز را بدتر می کند

ملوان در نبرد با هیولای هفت سر سرمایه داری

رونمایی از کتاب جدید استاد شمس لنگرودی

رونمایی از کتاب استاد روبرت واهانیان



رسانه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا

(شماره ۱۲)

خرداد ۱۴۰۴

فهرست:

- رسیدن به صلح از راه جنگ
- جنگ همه چیز را بدتر می کند
- مسیری به سوی اقتصاد دیجیتال شمال کشور
- ملوان در نبرد با هیولای هفت سر سرمایه داری
- رونمایی از کتاب جدید استاد شمس لنگرودی در دفتر روزنامه گیلان امروز
- لزوم توسعه کشاورزی دانش بنیان در استان گیلان
- روبرت واهانیان؛ رشت هفت محله دارد
- شوق احیای هتل تاریخی ایران در رشت
- لزوم توجه به کنترل بیولوژیک و مبارزه کارآمد، علیه ملخ مراکشی

عکس روی جلد: سایت فرارو

عکس پشت جلد: گیلان فردا-رشت (میدان شهرداری)



دوره جدید مجله اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا (آفلاین)
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه (شهلا) ابراهیم زاده اصلی
دارای مجوز به شماره ۷۴۷۳۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان
با تشکر از همکاران گروه تحریریه

Guilanfarda.ir

«مسئولیت محتوای مطالب ارسالی به عهده صاحبان و ارسال
کنندگان آثار است».

رسیدن به صلح از راه جنگ...

گیلان فردا- بهار ۱۴۰۴ را به فال نیک گرفتیم تا عزم خود را جزم کرده و فعالیت رسانه ای را با تمام قوا ادامه دهیم، اما جنگ ۱۲ روزه آنچنان زد توی پرمان که دوباره باید بال پروازمان را التیام بخشیم و از نو بلند شویم!

چه کسی می تواند نسبت به رنج و عذاب و حرمان هم نوع خود بی تفاوت باشد!

در جامعه ای که هیچکس حق اظهار نظر ندارد، در فضایی که از صبح تا شب بیشتر مردم دغدغه معیشت و گذران روزمره زندگی را دارند، در جامعه ای که جوانانش هیچ تصویری از آینده خود ندارند و بازنشستگانش پیش افراد خانواده سرشکسته و دست خالی هستند، فقط همین یکی را کم داشتیم-جنگ- که آن هم به وقوع پیوست ...

زبان از تحلیل این وضعیت قاصر است!

آن ها که از وضعیت نامناسب جامعه گفته و تحلیل کرده اند، مورد عتاب قرار گرفتند و آن ها که وضع را به اینجا رسانده اند مورد تشویق و ترغیب! متأسفانه از کسی بازخواست می شود که حرف حق را می زند و به معنای واقعی دلسوز جامعه است! بنابراین در چنین فضایی نوشتن و تحلیل کردن به یکی از سخت ترین کارها تبدیل شده است و هنر می خواهد و البته جگر... به امید آینده ای بهتر برای همگان، به دور از جنگ و خونریزی، به دور از کشت و کشتار، به دور از حيله و نیرنگ. جنگ همه چیز را بدتر می کند. جنگ فقط آدم ها را نمی کشد، بلکه انسانیت را نابود می کند...

چه خیال خام و باطلی است آن ها که می خواهند به صلح برسند اما با جنگ!!!

«مدیر مسئول»



جنگ همه چیز را بدتر می کند...

حفظ آرامش روانی و مدیریت استرس در شرایط جنگی و بحرانی



گیلان فردا، ساناز فرزانه- بروز دردهای عمومی در جامعه مانند جنگ و بحران یا حوادث ناگوار و بلایای طبیعی، صدمات طاقت فرسا و جبران ناپذیری بر جامعه وارد می سازد که علاوه بر از دست دادن عزیزان و خرابی زیرساخت ها و امکانات، آنچنان به روح و روان افراد آسیب می زند که عنان از کف می رود و ناامنی، استرس و اضطراب تمام وجود آدم را می گیرد و نگرانی بر آدم مستولی می شود!

بی شک از میان تمام بلایا، جنگ یکی از بدترین، زمخت ترین و بی رحمانه ترین رویدادی است که گاه و بیگاه در دنیا به وقوع می پیوندد و صدمات و پیامدهای جبران ناپذیری را برای همگان به ارمغان می آورد! در چنین شرایطی چه باید کرد؟ چطور باید با نگرانی و دلشوره مقابله کرد تا در حد توان آثار مخرب آن را به حداقل رساند؟

صاحب نظران بر این اعتقادند که تکنیک‌هایی وجود دارند که با تمرکز بر تنظیم روانی و جسمی، به افراد کمک می کنند تا با چالش‌های روانی ناشی از جنگ مقابله و از فروپاشی عاطفی جلوگیری کنند. چون در شرایط جنگی و بحرانی، استرس و اضطراب به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی روزمره بسیاری از افراد تبدیل می شود؛ بنابراین حفظ آرامش روانی و مدیریت استرس در این شرایط، یک نیاز حیاتی برای بقا و تاب آوری است. صدای انفجارها، خبرهای نگران کننده و ناامنی‌های روزمره نه تنها زندگی فیزیکی بلکه سلامت روان افراد را به شدت تهدید می کند. در چنین وضعیتی، فشارهای ناشی از جنگ با چالش‌های روزمره مانند تأمین نیازهای اولیه، دوری از عزیزان و ترس از آینده ناشناخته، سیستم عصبی را در معرض فرسودگی قرار می دهد. تکنیک‌هایی وجود دارند که با تمرکز بر تنظیم روانی و جسمی، به افراد کمک می کنند تا با چالش‌های روانی ناشی از جنگ مقابله و از فروپاشی عاطفی جلوگیری کنند. هدف از نگارش این مطلب، ارائه راهکارهایی است که با شرایط تنش‌زا سازگار بوده و قابل اجرا باشند، تا بتوانید با هر نفس، امید را زنده نگه دارید.

شش راهکار برای سرکوب استرس

۱- تماس با زمین و تقویت حس ریشه‌دار بودن

از دست دادن حس اتصال به زندگی یکی از عوارض شایع اضطراب شدید در جنگ است. تکنیک «Grounding» یا تماس با زمین می‌تواند این مشکل را برطرف کند. برای چند دقیقه پابرنه روی زمین راه بروید، دراز بکشید و روی سطحی که به زمین متصل است تمرکز کنید، یا حتی حس اتصال با پستی صندلی را احساس کنید. این کار به بدن کمک می‌کند تا تعادل خود را بازیابد و از حالت انجماد یا فلج روانی خارج شود.

۲- تنفس آگاهانه

تنفس صدا دار (که گاهی به عنوان تنفس آگاهانه شناخته می‌شود) تکنیکی است که می‌تواند به تقویت سیستم عصبی، کاهش استرس و بهبود تعادل عاطفی کمک کند. تنفس صدا دار، با تولید صدای آرام هنگام بازدم، سیستم عصبی پاراسمپاتیک را تقویت می‌کند، استرس و کورتیزول را کاهش می‌دهد، عصب واگ را تحریک می‌کند و تمرکز را بهبود می‌بخشد.

انواع تنفس صدا دار

تنفس اُجایی (Ujjayi Breathing):

روش اجرا: با دهان بسته، هوا را از بینی به داخل بکشید و هنگام بازدم، گلو را کمی منقبض کنید تا صدایی شبیه به صدای امواج دریا یا زمزمه‌ای نرم تولید شود. این صدا باید آرام و یکنواخت باشد.

فواید: تنظیم سیستم عصبی پاراسمپاتیک (آرامش بخش)، کاهش فشار خون، بهبود تمرکز و کاهش اضطراب.

تنفس زمزمه زنبور (Bhramari Pranayama):

روش اجرا: گوش‌ها را با انگشتان بیندید، نفس عمیق بکشید و هنگام بازدم، صدای زمزمه‌ای مانند زنبور (مممم) تولید کنید. ارتعاش صدا باید در سر احساس شود.

فواید: کاهش استرس، تسکین سردرد، بهبود خواب و تحریک عصب واگ (Vagus Nerve) که نقش کلیدی در آرامش سیستم عصبی دارد.

تنفس با صدای اوم (Om Chanting):

روش اجرا: نفس عمیق بکشید و هنگام بازدم، کلمه "اوم" را به صورت کشیده و با ارتعاش ادا کنید.

فواید: ایجاد ارتعاشات آرام بخش، تقویت هماهنگی ذهن و بدن، و کاهش فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک (مرتبط با استرس).

روزانه در مکانی آرام و راحت بنشینید یا دراز بکشید و ۵ تا ۱۰ دقیقه این تمرین را انجام دهید. تنفس عمیق و آگاهانه اکسیژن بیشتری به مغز و بدن می‌رساند و عملکرد عصبی را بهبود می‌بخشد.

۳- ضربات ملایم جهت ریکاوری حس بدنی

اگر احساس گزگز، بی‌حسی یا از دست دادن ارتباط با بدن خود دارید، تکنیک لمس آگاهانه می‌تواند کمک‌کننده باشد. با دست خود به آرامی بخش‌های مختلف بدن را لمس کنید و با ضربه‌های ملایم حس بدنی را بازگردانید. ترکیب این ضربه‌ها با نوازش آرام، به‌ویژه در نواحی مانند بازوها یا پاها، می‌تواند حس حضور و تعادل را تقویت کند. این روش به‌ویژه برای افرادی که در حالت انجماد روانی (Freeze) قرار دارند، مفید است.

۴- جهت‌یابی محیطی و درک لحظه حال

اضطراب شدید ممکن است حس اتصال به زمان حال را مختل کند، به‌خصوص اگر مدت زیادی در معرض اخبار یا فضای مجازی باشید. تکنیک «اورینتینگ» (Orienting) می‌تواند این مشکل را برطرف کند. گوشی خود را کنار بگذارید و به اطراف نگاه کنید. جزئیات محیط را با صدای بلند برای خودتان توصیف کنید: رنگ‌ها، بوها، اشیاء یا مکان فعلی. مثلاً بگویید: «من در اتاقم هستم، رنگ دیوار آبی است، بوی نان می‌آید.» شنیدن صدای خودتان با این اطلاعات، سیستم عصبی را به لحظه حال بازمی‌گرداند.

۵- تخلیه انرژی منفی با حرکات آرام

نشستن طولانی‌مدت در شرایط استرس‌زا می‌تواند تنش را افزایش دهد. برای رهایی از این حالت، حرکات آرام مانند کشش دست‌ها به سمت بالا، چرخش شانه‌ها، یا قدم زدن کوتاه در فضای ایمن را امتحان کنید. این حرکات به آزادسازی آدرنالین اضافی کمک کرده و عضلات را شل می‌کند. اگر امکانش را دارید، چند دقیقه در فضای باز قدم بزنید و بر حس زمین زیر پاهایتان تمرکز کنید.

۶- جهت‌گیری حسی / تکنیک ۱-۲-۳-۴-۵

برای بازگشت به لحظه حال و کاهش ترس‌های ذهنی، حواس پنجگانه خود را درگیر کنید. این تمرین ساده ذهن را به واقعیت کنونی بازمی‌گرداند و از غرق شدن در ترس‌های ذهنی جلوگیری می‌کند. پنج چیزی که می‌بینید (دیوار، میز و ...)، چهار چیزی که می‌توانید لمس کنید (زمین، لباس و ...)، سه صدایی که می‌شنوید (نفس، باد و ...) و دو بویی که استشمام می‌کنید (خاک، غذا و ...) را نام ببرید. این تمرین ذهن را از چرخه نگرانی دور کرده و به شما کمک می‌کند تا در زمان بمباران یا اخبار نگران‌کننده، تمرکز خود را حفظ کنید.

مدیریت اضطراب در شرایط جنگی با به‌کارگیری این نکات امکان‌پذیر است. این راهکارها از فروپاشی عاطفی جلوگیری می‌کنند و به افراد کمک می‌کند تا با استرس‌های روانی کنار بیایند. در شرایطی که کنترل بر محیط دشوار است، کنترل بر ذهن و جسم می‌تواند نقطه قوت شما باشد. (برگرفته از خبرآنلاین)



آینده گیلان با پیوند دانش، فناوری و صنعت؛

مسیری به سوی اقتصاد دیجیتال شمال کشور

گیلان فردا، ابراهیم کوهستانی* - در دنیای امروز که اقتصاد کشورها بر پایه دانش، نوآوری و فناوری‌های دیجیتال شکل گرفته، استان‌هایی موفق خواهند بود که بتوانند مزیت‌های بومی خود را با ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان گره بزنند. گیلان با برخورداری از ظرفیت‌های بی‌نظیر در کشاورزی، شیلات، گردشگری، صنایع غذایی و منابع انسانی تحصیل کرده، می‌تواند به سرعت در مسیر اقتصاد نوین حرکت کند؛ به شرط آن که زیرساخت‌های فناورانه، پیوند میان شرکت‌های دانش‌محور و صنایع و حمایت‌های دولتی به‌درستی فعال شوند.

شرکت‌های دانش‌محور گیلان می‌توانند به‌عنوان موتور محرکه تحول صنعتی در شهرک‌های صنعتی استان نقش‌آفرینی کنند؛ اما چگونه؟

مدل پیوند دانش‌بنیان‌ها با صنایع شهرک‌های صنعتی

مدلی که می‌تواند آینده گیلان را تغییر دهد، تزریق هدفمند فناوری از سمت شرکت‌های دانش‌بنیان به صنایع مستقر در شهرک‌های صنعتی است. این مدل شامل چند مرحله کلیدی است:

۱. نیازسنجی فناورانه صنایع: با کمک کلینیک‌های صنعت و مشاوران فنی شرکت شهرک‌های صنعتی

۲. طراحی راه‌حل‌های فناورانه توسط شرکت‌های دانش‌بنیان: متناسب با مسائل واقعی صنایع

۳. اجرای پایلوت، تست بازار و توسعه مقیاس: از آزمایش تا تجاری‌سازی

۴. توسعه بازار و افزایش صادرات: به‌ویژه در صنایع کشاورزی، شیلات و گردشگری

پیشران‌های گیلان برای ورود به اقتصاد دیجیتال

- در کشاورزی: هوشمندسازی مزارع، سامانه‌های پیش‌بینی اقلیم، بازارهای آنلاین محصولات
- در شیلات: پایش هوشمند کیفیت آب، تغذیه مبتنی بر الگوریتم، پلتفرم صادرات مستقیم
- در گردشگری: واقعیت افزوده در معرفی جاذبه‌ها، پلتفرم‌های تجربه‌محور، بازاریابی دیجیتال

• در صنایع غذایی و بسته‌بندی: تکنولوژی‌های نو در نگهداری و بسته‌بندی صادرات محور

چرا حالا بهترین زمان است؟

به‌توجه به نگاه قانون جهش تولید دانش‌بنیان و حمایت‌های هوشمندانه‌ای مانند:

- اعتبار مالیاتی برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه
 - تسهیلات کم‌بهره برای اجرای پروژه‌های فناورانه
 - حمایت شرکت شهرک‌های صنعتی برای استقرار و تجهیز زیرساخت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان
- امروز فرصت طلایی برای حرکت گیلان به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و دیجیتال فراهم شده است.

هدف نهایی: گیلان، هاب اقتصاد دیجیتال شمال کشور

اگر این مسیر با جدیت دنبال شود، استان گیلان می‌تواند تا سال‌های آینده به:

- مرکز نوآوری در کشاورزی و شیلات دیجیتال
 - پایگاه توسعه فناوری گردشگری هوشمند
 - قطب صادرات محصولات دانش‌بنیان
- و در نهایت هاب اقتصاد دیجیتال شمال کشور تبدیل شود.
- این فقط یک چشم‌انداز نیست، بلکه یک مسیر واقعی است که با برنامه‌ریزی، هم‌افزایی و اجرای مدل‌های فناورانه بومی، دست‌یافتنی است.

(**فعال در حوزه برندینگ-مقاله ارسالی)



نگاهی به بازی دو تیم ملوان و استقلال در جام حذفی

ملوان در نبرد با هیولای هفت سر سرمایه داری



یقیناً در فینال دراماتیک ۸ خرداد میان ملوان بندرانزلی (به عنوان یکی از دورترین تیم‌های فوتبال و کانون‌های فوتبالی - و حتی اجتماعی کشور)، نسبت به ارکان - مختصات سرمایه داری، با آبی پوشان پایتخت (به عنوان یکی از نزدیک‌ترین تیم‌های فوتبالی کشور به سرمایه داری بی بندوبار جاری در کشور و به تبع آن یکسری جریان‌های سیاسی و رخنه کرده در کلیت فضای سیاسی) شاهد بازی‌ای بودیم که دقیقاً همان ساختار - بافتار سرمایه داری جرار و افعی صفت ارائه نمود و به سادگی هرچه تمامتر (و صرفاً تحت عنوان کلیشه‌ای چون: خطای داوری!) کل این حق‌کشی از مدت‌ها پیش تعریف شده و به مرحله اجرا درآمده، که در دیدار یادشده سخت جلوه‌گری نمود، طبیعی شمرده شده! و با فصاحت و پررویی تمام از بازنگری مبرا دانسته شد!

حال به نسبت بازبودن و یا بسته بودن جوامع و نقدپذیری ارکان و زیرمجموعه‌های حکومتی - دولتی و نیز پروبال گرفتن جامعه مدنی و دخالت یافتن جریان‌های و افکار اجتماعی (بیرون از هسته حکومت - دولت) در سیاست‌های

گیلان فردا، سروش ملت پرست* - اصلاً هیچ تفاوتی در اصل قضیه وجود ندارد که فی‌نفسه "سرمایه داری" (به ظاهر جذاب و خوش‌نقش و نگار و باطنا "خبیث و بی‌وجدان و بی‌اخلاق) اساس و الفبایش نبوده و نیست جز تزاید و انباشت و انحصار روزافزون یک سو: تولید و عرضه و سوی دیگر: دنباله‌رو و مخاطب و مشتری؛ (آن‌هم تا حد ممکن مشتریان و مخاطبانی سراسر منفعل و مقلد) که این حفظ بازار و مشتری، با هر الگو، متد، شیوه و پروپاگاندا - تبلیغات و... صورت می‌گیرد.

(صد البته ارزشی و اخلاقی بودن عناوین یادشده کلاً بی‌معنا و بی‌مصدق است و هیچ محلی از اعراب ندارد) ... و ما و امثال ما [آدم‌های غالباً "شهرستانی" - ساده و معمولی بیزار از توده‌وار بودن و متمیز شدن و ابزار بودن در قبال این هیولای هفت سر سرمایه داری] نیز هیچ‌امیدی به پاکسازی و اخلاقی شدن ریزودرشت بازی‌ها و طنازی‌های "بی‌شرف آباد" سرمایه داری و تبلیغات تهوع‌آورش نداشته و نخواهیم داشت.

کلی و برنامه ریزی ها و اقتصاد و... است که میزان این انحصارات و پیامدش نابرابری ها- تبعیض ها و تباهی های اجتماعی دچار نوساناتی خواهد شد .

در برخی جوامع چون ایران، از شدت تکرار، این قبیل تبعیضات اصلا" بخشی از مسیر موفقیت و قهرمانی سرخابی ها و امثالهم اند(چراکه کمیت از آن آنان است و دم زدن از هر نکته ای ورای کمیت، در تضاد با استانداردهای {بی ارزشی های} حامیان مالی شان قرار دارد!)

ناگفته مشخص است که در جوامع بسته ای چون ایران کنونی؛ با وجود همه شعارها و حرف های عوام فریبانه و داستان هایی که در زمینه نفی هرگونه تبعیض و نابرابری سر داده می شود، در مسائل و زمینه های اجتماعی(در این یادداشت اشاره مستقیم به مقوله فوتبال و دیدار فینال پرحرف و حدیثش -مورخه ۸ خرداد۱۴۰۴) باز هم این افعی هفت سر سرمایه داری است که پیشتازی می کند و جریان بازی را با ابزارهای پیداپنهانی که در اختیار دارد به انحراف خواهد کشاند {دقیقا مطابق فینال نفسگیر ۸ خرداد ملوان با...}.

با مقدمات یادشده، به محض مشخص شدن رقیب ملوان بندرانزلی در دیدار فینال جام حذفی، بیش و پیش از آنکه متوجه ظرفیت ها و ظرافت های فنی - تاکتیکی رقیب باشم (که مشخصا در فصل اخیر بی سروسامان بود و نامقتدر) همین واقعیت تلخ در ذهنم ریشه دواند که به ۱۰۰۱ دلیل نامطلوب و ناخوشایند (درصدشان تبلیغات نابرابر و القائات مزخرف و گرایش های توده وار) تیم رقیب از پشتوانه چندین میلیونی برخوردار است و قطعا اقتصاد و سرمایه داری پیوندیافته با تیم فوتبال استقلال تهران و یقینا مشرف و مسلط بر آن، دقیقا برای تداوم بخشیدن به مولفه

هایی چون: مخاطب محوری! و مشتری مداری؟! و خروجی همه اینها دراختیارداشتن و از کف ندادن بازار(که با راه یافتن به بازی های آسیایی بر ارزش های مادی اش افزوده خواهد شد) چنین بر شخصیت های حقیقی و حقوقی مرتبط با برگزاری این دیدار میان - شاید به تعبیری بتوان گفت: بی سیاست ترین و سیاس ترین تیم های فوتبال کشور - چون همیشه دیکته خواهد نمود که : به هیچ وجه من الوجوه ملوان نباید قهرمان شود و ملوان نباید در عرصه مسابقات آسیایی، به عنوان نماینده ایران برگزیده شود...

احتمال قریب به یقین خودِ سرمربی کنونی ملوان که هم و غمش معطوف موفقیت ملوان بود و با توجه به رده هفتمی در لیگ برتر و صعود به دیدار فینال جام حذفی(در یک فصل و آن هم در مقابل بسیاری تیم های یک و سروگردن بالاتر از لحاظ دارابودن ساختار باشگاهی و سازماندهی تیمی و انواع و اقسام حمایت های اقتصادی - سیاسی و...) انصافا" از سرمربیان دیگر ملوان، امثال استیلی ها و مایلی کهن ها و... توانمندتر نشان داد، خیلی خوب متوجه این تبعیضها است؛ چراکه در همان سال ۱۳۹۰ که همراه با سرخ پوشان پایتخت وارد میادین فوتبال می شد در دیدار فینال جام حذفی(که خرداد آن سال به صورت رفت و برگشت برگزار شد) رویاروی تیم شهر خود و ملوانان بندرانزلی قرار گرفت؛ و چه قرارگرفتنی؟! که در بیرونی ترین و عمومی ترین نما، ناداور دیدار فوق(علیرضا فغانی) علی رغم بسیاری تجارب و توانایی ها، در آن روز و قضاوت در دیدار رفت، کاملا" عامدانه نقش خویش را در زمینه سوت زدن غرض ورزانه بر ضد ملوان و به سود تیم آن روزهای مازیار زارع و اصحاب و اعوان اقتصادی - سیاسی ایفا نمود... و همین علی دایی با وجود موضع گیری سال های اخیرش، آن سال ها و خاصه فینالی که بوی

مشمئزکننده تبانی و عقده گشایی از آن به مشام می رسید، در جبهه باطل ایستاد...

اصلاً" به یاد ندارم که موضع آن روزهای سرمربی کنونی ملوان در قبال آن حق کشی؛ تازه آن هم نسبت به تیم شهرش که هم خود و هم پدرش (اصغر زارع) بازیکن - دروازه بان‌ش بوده اند چه بوده است؟! شاید همین کلیشه که: "خب پرسپولیس تیمم بوده و متعهدانه برایش بازی کردم دیگه"!!!

آقای سرمربی ملوان! جدا از همه توهمات و غوغاسالاری ها، کمترین تردیدی نداشته باش که هر آنچه در مسلخ ناداوری ۸ خرداد ۱۴۰۴ بر ملوان رفت، دقیقاً استمرار همان ناداوری رواداشته شده در حق ملوان در خرداد ۱۳۹۰ می باشد؛ با این تفاوت که آن سال با حق کشی قهرمان شدید و ساکت بودی و امسال با حق کشی نایب قهرمان شدیم و حال چه ناراحتی و حق جو و مغشوش و آشفته!!!! اما اعتراضی چقدر دیر و نافرجام...

از منظری دیگر: سفرم به اراک برای تماشای دیدار فینال محقق نشد. شد پنج شنبه ۸ خرداد، به هیچ وجه نمی توانستم در تهران بمانم. دلم در انزلی بود و ذهنم در اراک. اینکه ملوان یک پای فینال جام حذفی باشد و نبض و نفس و شور زندگی در یک شهر با خرامیدن قوی سفید، تنظیم گردد و انرژی روانی یک شهر و شهروندانش و خیلی های دیگر، با ملوان از مرزهای منطق و رویا گذر کند، کم مسئله ای نبود... پس: "انزلی منتظر ماست بیا تا برویم!!" و پیش به سوی انزلی!

۸ صبح پنج شنبه؛ با پیراهن ملوان بندرانزلی بر تن [یادگاری از واپسین دیدار ملوان در نخستین دوره لیگ برتر، خرداد ۱۳۸۱ و پیراهن شماره ۵ ای که بر تن حسین تلقینی بود] از ترمینال غرب راهی انزلی شدم!!!!

هرچند باران کوچولو از من خواسته بود برای تماشای بازی ملوان به اراک برویم... و مادر باران جان! طعنه وار گفت: در روزی که انبوه مردم از انزلی برای تماشای فینال راهی اراک هستند، تو از تهران به انزلی می روی؟! آخه تو دیگه کی هستی؟ و خنده مستانه ای کرد.

حدود ساعت ۱۴ به انزلی رسیدم. بیش از هر چیز دنبال اطلاع از جایگاه نصب "تلویزیون شهری" بودم که در حضور انبوه دوستداران ملوان دیدار فینال را پخش کند.

حدود ساعت ۱۷:۳۰ در آرامستان انزلی، پس از ادای احترام به پدر، دقایقی سر مزار زنده یاد بهمن صالح نیا رفتم (که همسرشان هم حضور داشتند) و توامان آرزوی موفقیت ملوان را نمودیم. رسیدم خیابان ناصرخسرو، مردم یک شهر؛ فردی و جمعی، پیاده و سواره به سمت ساحل دریای خزر رهسپار بودند. راس ساعت ۱۹ در ابتدای موج شکن انزلی- ساحل دریای خزر و کنار کشتی میرزا کوچک خان بودم.

همه آمده بودند، هارمونی دلنوازی از دوستی و همدمی و همدلی میان چندین نسل؛ کودک، جوان، میانسال و کهنسال، دختر و پسر، مدرن و سنتی و... بی واسطه و به زیبایی تراکم آن همه احساس در آستانه انفجار از سوی مردم یک شهر حس می شد.

آه! با قهرمانی ملوان چه رویایی می شد این شباهنگام عاشقانه مان در کنار ساحل و زیر سقف غرورانگیز خاطرات مشترک و بی بدیل مان از بدو کودکی تا حال...

بازی آغاز شد. برتری از آن ملوان بود و توپ و زمین کاملاً در اختیار سربازان بی ادعا... یکی - دو فرصت از کف رفت، ناخودآگاه گفتم "زنمی می خوری"... حریف، حریف قابلی نبود، حداقل در برابر اراده ملوانان، اما پس چشم پوشی

نسبت به اخراج بازیکن آبی پوش و نیز خطای مسلم در دقیقه ۴۵ روی بازیکن ملوان. هر چه به انتهای وقت قانونی و اضافه نزدیکتر می شدیم از کوبندگی و آن انسجام ملوانان کاسته می شد و در عوض آبی پوشان بیشتر در زمین ملوان آفتابی می شدند.

این میان از یک چیز مطمئن بودم، اگر حتی سر سوزنی در منطقه هجده قدم و آن حوالی فرصت گیرشان بیاید قطعا استفاده خواهند کرد ... هرچه که از زمان بازی می گذشت هیجانات میان انبوه تماشاگران دیدار ملوان در کنار ساحل افزایش می یافت و فراگیرتر و قراتر به حمایت از قوی سپید محبوبشان می پرداختند. ساعت از ۲۲ گذشته بود و دیگر از دقیقه ۱۱۵ دوست داشتم داور سوت پایان بازی را بزند و کار به ضربات پنالتی کشیده شود....و شد آنچه نباید می شد! دقیقه ۱۱۹ و در شرایطی که بازیکن ملوان نقش بر زمین بود و داور معلوم الحال، بی اعتنا به این قضیه، متاسفانه توپ وارد دروازه ملوان شد و جام از دسترس مان خارج....و زیباترین رویاهایی که برای هنگامه پیروزی و فتح ملوان ساخته بودیم، نقش بر آب شد...

پی نوشت: مثل خیلی چیزهای دیگر در دل این جامعه به شدت متظاهر(خاصه اهل فوتبالش) عنوان و مفهوم(فرپلی) نیز حجاب و نقابی بیش نیست. همانند همان دست دادن و احوال پرسی های مزورانه شروع بازی ها. چرا لحظاتی قبل از دقیقه ۱۱۹ که مدافع ملوان، روی زمین افتاده بود، بازیکنان مردم دار، باشعور، بامروت و نیک نفس استقلال تهران، صحنه را ندیدند و با اقدامی جوانمردانه بازی را نگاه نداشته و توپ را به بیرون نزدند؟! (جوانمردی در قبیله شمایان مدتهاست که به خاک سپرده شده...)

۱- آقای وریا غفوری! تو و امثالهم که اینقدر خود را مدافع حق و عدالت نشان می دهی و به زعم خویش با دردهای مردم همسویی که برای دلجویی از دخترکی که مادر خویش را در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ از دست داده، راهی شهر و دیارش می شوی، چرا به صرف هم تیمی بودن و سابق بر این آبی پوش بودن، بی عدالتی جاری در دیدار فینال را از یاد بردی و بلافاصله تبریک قهرمانی را به تیمی گفתי که دقیقا با توسل به همان حق کشی و بی عدالتی که ظاهرا از آن بیزاری، جایگاه قهرمانی را از ملوان ربود؟! احتمالا اقدام سال ۱۴۰۱ تو امثال تو صرفا تحت تاثیر یکسری هیجانات زودگذر بوده و نه به خاطر درکی عمیق از مفهوم عدالت...

۲- آقای سرمربی ملوان! همه اجحافات صورت گرفته نسبت به ملوان درست، اما چرا هرچه از زمان بازی می گذشت، بروپچه های ملوان کم جربزه تر و غیرهجومی تر ظاهر می شدند، که انگار از یک زمان به بعد، تمایل داشتند به کشیدن بازی به ضربات پنالتی؟!

۳- وزیر ورزش آذری تبار! و گیلانی دیار! ملوان در هیچ دوره ای از هیچ رانت و پوئن چسبیدگی به سیستم و ساختار سیاسی بهره نبرده و بازهم نخواهد برد(چرا که اصالت ملوان و مکتب فوتبال منبعث از آن، چنین اجازه ای نخواهد داد). این قبیله "شبه قهرمانی ها" پشیزی نمی ارزند... اگر، اگر و اگر خود را مدافع حق و حقیقت در پهنه فوتبال کشور می دانی، با اراده نیک پایانی بگذار بر انبوه فساد و رانت و بی اخلاقی و حق کشی در فوتبال کشور! صحبت های محمد احمدزاده در مراسم تشییع زنده یاد بهمن صالح نیا را به یاد خواهیم سپرد...

۴- دوستداران و خانواده بزرگ ملوان، شب فینال چهارشنبه ۸ خرداد، پایان بسیار تلخی رقم خورد برای ما و ملوان، اما

امید آنکه این اقیانوس احساسات راستین و اکسیر معنوی و انرژی ناب نسبت به ملوان، در دیگر زمینه های اجتماعی انزلی-غازیان و درصدها بحران هایی چون وضعیت مرداب، بیکاری، اقتصاد و مسئولیت ناشناسی ها و هویت زدایی ها و لاکچری بازی ها... نیز به عینیت درآید.

(مطلب ارسالی از بندر انزلی*)

همانطور که حتی قهرمانی ملوان نیز، نه پایان کار، که تنها به منزله نقطه شروع بسیاری تغییر- تحولات عمیق و معنادار می توانست تلقی شود، امید که همین نایب قهرمانی در مجموعه باشگاه داری- تیم داری ملوان، آغازگر پویایی و تفکر سالم و حرکت درست در مسیر موفقیت ها باشد(دقیقاً در تضاد با همان سرمایه داری بی بندوبار) و یقیناً در مسیر صعب درستی و اخلاق مداری...و



حضور استاد شمس لنگرودی در دفتر روزنامه گیلان امروز و رونمایی از کتاب جدید



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی - ساعاتی در محضر اساتید فرهیخته، شاعران گرامی، نویسندگان محترم، پژوهشگران ارجمند، روزنامه نگاران ساعی و فرهنگ دوستان نازنین استان در دفتر روزنامه گیلان امروز در آخرین روز از ماه زیبا و دلنشین اردیبهشت و میزبانی از مهمان ویژه؛ استاد و شاعر گرانسنگ شمس لنگرودی با معرفی کتاب جدید استاد.

عصر چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت دفتر روزنامه گیلان امروز شاهد برگزاری نشستی با حضور جمعی از فرهیختگان و اهالی فرهنگ گیلان بود، میهمان ویژه این نشست استاد شمس لنگرودی بود که به معرفی جدیدترین اثرش پرداخت و به سوالات و نقدهای حاضرین پاسخ گفت. شمس لنگرودی معتقد است در این اثر ارزشمند خواسته است به بازخوانی اشعاری بپردازد که با فضای اندیشه و افکار حافظ همسو است.

تو را به ترانه‌ها بخشیدم

به صدای موسیقی

به سکوت شکوفه‌ها

که به میوه بدل می‌شوند

و از دستم می‌چینند

تو را به ترانه‌ها بخشیدم

یادآوری؛ محمد شمس لنگرودی، متخلص به شمس لنگرودی، در ۲۶ آبان ۱۳۲۹ در شهر لنگرود «استان گیلان» به دنیا آمد. او شاعر، نویسنده، پژوهشگر، بازیگر و مورخ ادبی معاصر ایرانی است.

چند نمونه از آثار وی عبارتند از؛ مجموعه شعر "رفتار تشنگی"، "خاکستر و بانو"، "جشن ناپیدا"، "قصیده لبخند چاک چاک"، "نت‌هایی برای بلبل چوبی" و رمان‌های "رژه بر خاک پوک" و "آن‌ها که به خانه من آمدند" و...

در کنار آثار شاعرانه متعدد، او پژوهش جامعی با عنوان «تاریخ تحلیلی شعر نو» منتشر کرد که هنوز هم یکی از منابع مرجع در این حوزه است.

در اولین جشنواره ملی بلوبری در بندرانزلی اعلام شد؛

لزوم توسعه کشاورزی دانش بنیان در استان گیلان

یک میلیارد تومان سرمایه گذاری، برای ایجاد یک فرصت شغلی در حوزه کشاورزی



گیلان فردا، سارا فرزانه- در اولین جشنواره ملی بلوبری در بندرانزلی اعلام شد؛ در حوزه کشاورزی به ازای هر یک میلیارد تومان سرمایه گذاری، می توان یک فرصت شغلی ایجاد کرد، در حالی که در صنعت برای ایجاد هر شغل، حداقل ۱۰ میلیارد تومان نیاز است. این مزیت مهم، جایگاه کشاورزی را در اقتصاد ملی برجسته تر می کند.

نخستین جشنواره ملی بلوبری با حضور هادی حق شناس، استاندار، محمدرضا رستمی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، صالح محمدی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان و جمعی از مدیران استانی، فعالان بخش کشاورزی و سرمایه گذاران در بزرگترین مجتمع گلخانه ای پرورش بلوبری ایران در بندرانزلی برگزار شد. در این جشنواره به مزیت های بی نظیر اقلیمی و منابع طبیعی استان، بهره برداری علمی اقتصادی از ظرفیت های بومی، اشتغال کم هزینه و پایدار با توسعه کشاورزی، ایجاد شهرک های گلخانه ای جدید در مسیر ۱۵۰ کیلومتری بندرانزلی تا آستارا، توسعه کشاورزی دانش بنیان در راستای اشتغال زایی و اقتصاد مقاومتی، حمایت از کشت های نوین همچون بلوبری اشاره شد. در اختیار گذاشتن منابع طبیعی

برای سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی و تولیدی در این حوزه و پرهیز از ساخت‌وسازهای غیربومی و ویلاسازی‌های غیرضرور در گیلان، توسط استاندار تاکید شد .

استاندار گفت: «در حوزه کشاورزی به‌ازای هر یک میلیارد تومان سرمایه‌گذاری، می‌توان یک فرصت شغلی ایجاد کرد، در حالی‌که در صنعت برای ایجاد هر شغل، حداقل ۱۰ میلیارد تومان نیاز است. این مزیت مهم، جایگاه کشاورزی را در اقتصاد ملی برجسته‌تر می‌کند». (عکس‌ها از اینترنت)

شایان ذکر است کشت بلوبری در شهرک گلخانه‌ای شيله سر شهرستان بندرانزلی در فضای ۲۰ هکتار و در مناطق دیگر استان نیز به وسعت ۱۰ هکتار به صورت (گلخانه‌ای و فضای باز) در حال تولید است و شهرک گلخانه‌ای بلوبری بندرانزلی، (که زمینه اشتغال مستقیم ۲۴۰ نفر را فراهم کرده است) بزرگترین مجموعه پرورش بلوبری کشور است که نقش مهمی در توسعه صادرات غیرنفتی، اشتغال پایدار و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در استان ایفا خواهد کرد.

براساس اطلاعات موجود برخی از خواص بلوبری عبارتند از: مفید برای چشم، پوست، ضد چروک و درمان کننده آکنه و اگزما، مفید برای رشد و کیفیت موها، دارای آنتی اکسیدان‌های پیشگیری کننده از انواع سرطان، موثر برای دیابت و قند خون، کنترل کننده فشار خون، مفید برای قلب، جلوگیری از اضافه وزن در بارداری، چربی سوز قوی و دارای دمنوشی پرخاشیت

۰۰۹



روبرت واهانیان در مراسم رونمایی از کتاب «رشت؛ به روایت پنج نقشه تاریخی» اعلام کرد؛

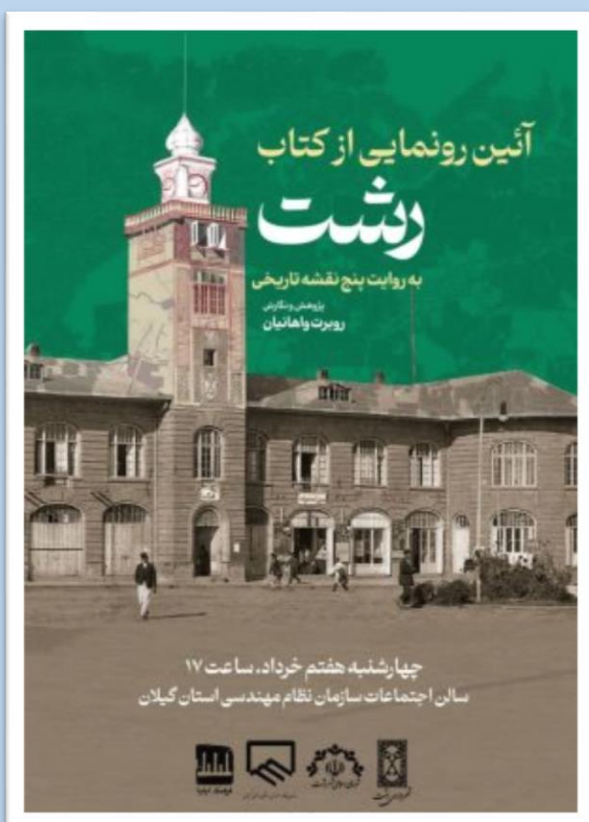
رشت هفت محله دارد



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی-مدت ها بود که می خواستم به استاد واهانیان زنگ بزنم و وقتی را برای مصاحبه هماهنگ کنم. اما آن فرصت دلخواه و فراغ بال میسر نشده بود. با توجه به حس خوبی که در مصاحبه های قبلی (برای روزنامه گیلان امروز، مجله گیلان فردا و پایگاه خبری مرور) با ایشان داشتم می خواستم از وی درخواست کنم تمام زمان مصاحبه را فقط از رشت قدیم حرف بزند. صحبت های قبلی ایشان در مورد رشت بسیار دلنشین بود و مخاطبان علاقمند را برای آشنایی با تاریخچه شهر رشت علاقمندتر کرده بود. در مصاحبه های قبلی که با ایشان داشتم از نقشه های ارزشمند و قدیمی شهر رشت گفته بود و حالا خوشبختانه کتاب ارزشمندی در این زمینه به چاپ رسانده بودند. به همین خاطر وقتی به مراسم رونمایی از کتاب «رشت؛ به روایت پنج نقشه تاریخی» دعوت شدم، فرصت را غنیمت شمردم و برای تجدید دیدار با فرهیختگان شهر به سازمان نظام مهندسی گیلان رفتم. خیلی ها برای مراسم رونمایی از کتاب استاد آمده بودند. عزیزان استاد و پیشکسوت اهالی فرهنگ و ادب از جمله آقایان محمدتقی پوراحمد جکتاجی، هوشنگ عباسی و کیهان خانجانی در مراسم حضور داشتند. آقای رضا نوزاد، پسر زنده یاد استاد نوزاد هم بودند. آقایان دکتر هاشم موسوی، دکتر روشن بابایی، مومن صالحی و محمدحسن عاقل منش، سیدحسین رضویان از اعضای شورای شهر هم آمده بودند. و در یک کلام جمع فرهنگ دوستان، مهندسان، معماران، نویسندگان و پژوهشگران جمع بود.

به گفته استاد واهانیان در رشت هفت محله «خمیران کیاب»، «کیاب چمارسرا»، «استادسرا»، «بازار»، «صیقلان»، «زاهدان» و «خمیران زاهدان»، وجود داشته و دارد. این استاد و معمار پیشکسوت با اشاره به اینکه بعضی از جاها به اشتباه محله نام گرفته در حالی که در واقع فقط یک گذر بوده اند، گفت: اسناد مرزبندی هفت محله رشت موجود است.

گفتنی است این رویداد روز چهارشنبه هفتم خردادماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۷ با همکاری نهادهایی چون شورای اسلامی شهر و شهرداری رشت، سازمان نظام مهندسی استان گیلان و ناشر کتاب، نشر فرهنگ ایلیا برگزار شد.



روبرت واهانیان در ۷ مرداد سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ میلادی) در یک خانواده ارمنی متولد شد. مادر او اهل تبریز و پدرش اصالتاً از ارمنیان مهاباد بود. واهانیان تا کلاس ششم را در دبستان اسدی تبریز که یک مدرسه ارمنی بود درس خواند و سپس به دبیرستان فردوسی رفت.

واهانیان در دبیرستان رشته ی ریاضی خواند. وی در سال ۱۳۴۶ نیز از رشته معماری دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در بخش خصوصی فعالیت کرد. در پاییز همان سال دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران دوره ی ۵ ساله رشته ی شهرسازی را آورد و واهانیان آن را نیز طی کرد. واهانیان از سال ۱۳۶۶ در رشت ساکن شد و مسئولیت های بسیاری را در این شهر بر عهده گرفت. او در دهه ی ۷۰ در دوره شورای شهر اول و دوم، مسئولیت مرمت و بازسازی ساختمان مسکونی اولین شهردار رشت، حاج «میرزا خلیل رفیع» را برعهده گرفت و پس از اتمام این بازسازی این عمارت ساختمان اصلی شورای شهر رشت شد. مرمت و بازسازی برج ساعت ساختمان شهرداری رشت در سال ۱۳۶۹، مرمت و بازسازی خانه قدیمی خاندان اخوان - پورعباس (خانه شورای اسلامی شهر رشت) در سال ۱۳۸۲ از جمله فعالیت های وی است.

بخشی از مصاحبه گیلان فردا با استاد روبرت واهانیان که سال ۱۳۹۶ در این مجله به چاپ رسیده بود.

اولین نقشه رشت؛

استاد واهانیان: یکی از ارزشمندترین اسناد فرهنگی تاریخی و علمی شهر رشت، نقشه این شهر است که در سال ۱۲۸۷ هجری قمری معادل سال ۱۲۴۹ هجری شمسی به دست ذوالفقارخان مهندس، سرهنگ توپخانه، در زمان حکمرانی میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله در گیلان، به دستور ناصرالدین شاه تهیه شده است. ذوالفقارخان نقشه را آنطور که در پایین آن نوشته در طول نه ماه و هشت روز به پایان برده است. هر میلی متر روی نقشه مذکور برابر سه ذرع است. ذوالفقارخان مهندس در پایین نقشه در کنار مقیاس خطی آن چنین می نویسد: «این مقیاس از روی متر برداشته شده و هر میلی متر سه ذرع است. پس نسبت این مقیاس به ذرع مثل نسبت یک به سه هزار و یکصد و بیست است».

روبرت واهانیان، معمار و گیلان شناس، این سند را در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران می یابد که نخستین نقشه رشت در دوره ناصری بود و بعد از مطالعه و بررسی جزئیات این نقشه می گوید: ذوالفقارخان، با کمک گرفتن از فرزندان اعیان و اشراف، ۱۴۰ سال پیش در رشت، با دستگاه تئودولیت و با وسواس ویژه، رشت را نقشه برداری کرد و یافته های خود را با وسواس تمام، در مدت نه ماه و چند روز، با ذکر کلیه جزئیات در نقشه آورده بود. امروزه شاید باورپذیر نباشد که نقشه های هوایی، با تمام ابزارهای علمی، نمی توانند آن کنند که ذوالفقارخان مهندس با نقشه برداری میدانی از شهر رشت تهیه کرده است.



شوق احیای هتل تاریخی ایران در رشت



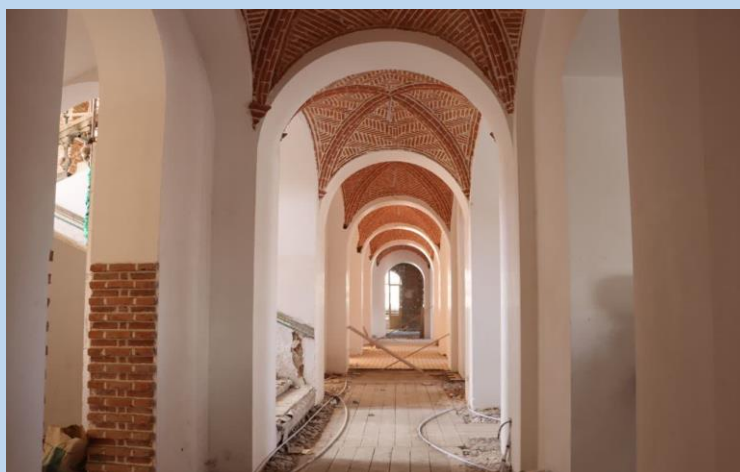
گیلان فردا- خبر بازسازی و تعمیر هتل ایران در رشت برای جمع کثیری از ساکنین این شهر خبر بسیار مسرت بخشی بود. از یک سو مجموعه ساختمان های قدیمی میدان شهرداری رشت در خاطرات جمعی شهروندان جایگاه ویژه ای داشته و دارد و از سوی دیگر معماری با ارزش این بنا در اصلی ترین میدان شهر، ظرفیت های گردشگری و فراموش شده شهر را دوباره زنده می کند.

از زمان آغاز عملیات عمرانی برای احیای هتل تاریخی ایران در رشت، مدیران استانی و شهری و همچنین وزیر میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی از مراحل کار بازدید کردند. امید که در زمان پیش بینی شده این هتل به بهره برداری مجدد برسد و به ظرفیت های گردشگری شهر بیفزاید. به گزارش خبرگزاری ایسنای گیلان، بنای تاریخی هتل ایران با معماری نئوکلاسیک روسی در سال ۱۳۰۸ در مجاورت عمارت بلدییه رشت ساخته شد؛ این بنا که پس از انقلاب کاربری اداری پیدا کرد، در حال احیا و مرمت است. بنای زیبای هتل ایران که تا پیش از این تنها پوسته خارجی آن سالم مانده بود، حالا در میان داربست های فلزی قرار گرفته و مقرر شده پس از مرمت دوباره با کاربری هتل، پذیرای گردشگران باشد.

بخت «هتل ایران» سفید می شود

مقابل درب ورودی می ایستم، بلندای مرتفع عمارتی که دو طبقه اصلی و یک نیم طبقه دارد، یادآور روزهایی است که معماری گیلان در آغاز قرن پیش، دچار تحول شد و معماری نئوکلاسیک روسی با آن گنبدهای پیازی شکلش، عرصه را بر معماری سنتی گیلان تنگ کرد. حالا وجود چهار ساختمان تاریخی ساخته شده در دوره پهلوی اول - که معماری نئوکلاسیک روسی دارد- بر زیبایی پیاده راه مرکز رشت افزوده است.

بالای داربست‌هایی که به بالکن کلاه فرنگی نزدیک است، پرده‌ای نصب شده و قدردان شکیبایی شهروندانی است که سالهاست انتظار کشیده‌اند تا بخت هتل ایران مانند نمای ظاهری‌اش سپید شود. روی پرده نوشته شده: «مرمت و احیاء هتل ایران رشت، عرصه ۱۰۰۰ متر مربع، دوره پهلوی، آغاز پروژه شهریور ۱۴۰۳ و پایان مرمت شهریور ۱۴۰۴ از درب چوبی، وارد عمارت می‌شوم؛ از همان دیوارهای الحاقی ورودی بنا، معلوم می‌شود هتل ایران قرار نیست به شمایل ۱۰۰ سال پیش خود بازگردد. وقتی سفرنامه‌ها را مطالعه می‌کنم، نوشته شده که در طبقه اول هتل ایران؛ پذیرش هتل، رستوران و کافه بوده و اتاق‌های اقامت در طبقه دوم بوده است. اما اکنون به محض ورود به هتل، باید از پله‌ها بالا رفت و به طبقه دوم رسید و طبقه اول این بنای تاریخی - که بعد از انقلاب به واحدهای تجاری تبدیل و به افراد غیر واگذار شده - همچنان قرار است تجاری بماند و سرمایه‌گذار بخش خصوصی - که بنای هتل ایران را از طریق صندوق احیا در اختیار دارد - تنها قرار است طبقه دوم را احیا کند.



«هتل ایران» یا با نام قدیم آن، «هتل اروپا»، زیباترین هتلی بود که در جوار عمارت بلدییه رشت بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴ خورشیدی ساخته شد. این بنای ارزشمند، به‌خاطر همسانی معماری با دیگر بناهای مرکز شهر، خرداد ماه سال ۱۳۵۶ و به شماره ۱۵۱۶ در فهرست آثار تاریخی ثبت شد. بعد از انقلاب ۱۳۵۷، در این ساختمان دخل و تصرف‌های زیاد از جمله تغییر کاربری طبقه اول به واحدهای تجاری رخ می‌دهد. در سال ۱۳۷۷ هتل ایران به اداره میراث فرهنگی واگذار می‌شود و از سال یاد شده تاکنون، مدیران دوره‌های مختلف میراث فرهنگی وعده تغییر کاربری این عمارت تاریخی را داده‌اند. شهروندان، سال‌ها منتظر تبدیل این ساختمان به «موزه مردم‌شناسی» بودند که سال گذشته مدیرکل میراث فرهنگی گیلان، اعلام کرد این بنا از طریق صندوق احیا، به بخش خصوصی واگذار شده است.

آخرین مالک هتل ایران قبل از مصادره، فردی به نام «مهدی احمد» بود. اما وقتی سفرنامه‌ها را می‌خوانیم، از فردی یونانی هم یاد می‌شود: «عصر روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۰ ناشناس به شهر رشت وارد و در مهمانخانه ایران که سابقاً به اسم اروپا بوده منزل کردیم. این مهمانخانه از بهترین مهمانخانه‌های رشت و مدیر آن خانمی است یونانی که پس از فوت شوهرش شخصاً آن را اداره می‌کند. مهمانخانه بسیار نظیف، غذاهایش ماکول و اطلاق‌هایش پاکیزه و حتی جزئیات آموزش پاک و مورد توجه کامل

شهرداری است.» اینها خاطرات احمد ملکی است، مدیر روزنامه‌ای که خاطرات سفر خود را در نوروز ۱۳۳۱ خورشیدی در «روزنامه ستاره» منتشر کرده است.

احمد ملکی، یکبار دیگر و در فروردین ۱۳۳۲ به رشت سفر کرد و در «هتل ایران» اقامت داشت: «روز دوشنبه اول فروردین به رشت وارد و در مهمانخانه ایران منزل نمودیم. شب چهارشنبه سوم فروردین برف شدیدی در رشت بارید و ناگزیر از شدت سرما به اتاق میهمانخانه ایران پناهنده شده و چون هیزم بخاری میهمانخانه کافی نبود از خارج هم خریداری نمودیم و در نتیجه معلوم شد در رشت که چوب قیمت نداشت اکنون بهای زیادی یافته» (نک، هفت سفرنامه شمال)

شهر رشت از دوره قاجار به دلیل تردد مسافران به اروپا و برعکس، «دروازه اروپا» لقب گرفت. تا پیش از این و در دوره صفویه، سفر به اروپا از طریق «عثمانی» انجام می‌شد. پس از رونق آبراه تاریخی پیربازار و ایجاد بندری در حاشیه آن، تردد از پیربازار به سمت بندرانزلی و سپس اروپا صورت می‌گرفت. شاهان قاجار نیز در سفرهای خود به اروپا از همین گذرگاه آبی سفر کردند. بنابراین، یکی از دلایل ساخت هتل‌های متعدد در رشت، به خاطر آمدو شد مسافران بوده است.

سال ۱۳۸۶ هتل ایران به سرپرستی «دکتر نیکروز مبرهن شفیعی» مرمت می‌شود و او گزارش مرمت خود را در شماره ۱۰۶ ماهنامه گیله‌وا منتشر می‌کند. این استاد دانشگاه همان زمان، ایجاد «موزه مردم شناسی» را برای کاربری جدید هتل ایران پیشنهاد داده بود.

اما از سال یاد شده نه موزه ای در هتل ایران راهاندازی شد و نه درب هتل ایران به روی بازدیدکنندگان باز شد. و اگر در برنامه‌های مناسبی همچون برپایی نمایشگاه صنایع دستی، شهروندان پا به هتل ایران گذاشتند، با سالنی وسیع در طبقه دوم مواجه می‌شدند و اذعان داشتند که طبقه دوم، شباهتی به بنای هتل ندارد و تنها جداره خارجی این هتل سالم مانده است.



عمارتی که به دلیل همسانی معماری آن با بناهای مجموعه شهرداری از ارزش والایی برخوردار است، پس از مرمت در سال ۱۳۸۶، عملاً بلااستفاده مانده بود. دکتر مبرهن شفیعی، مرمت هتل ایران را اینگونه شرح داده است: «دخل و تصرفهای نابجایی در حذف عناصر سازه‌ای دیوارهای باربر، ستون‌ها و... رخ داده و بر اثر تخریب بنا در زمین لرزه سال ۱۳۶۹ و مرمت غیر علمی و فنی بخش مرکزی، اصل بنا دچار خدشه شده بود.

تعمیرات انجام شده در زمان‌های مختلف مانند؛ گذاشتن سیمان روی کف چوبی قبلی، کم کردن ارتفاع اتاق‌ها با ایجاد سقف کاذب، اضافه کردن غیر اصولی عناصر الحاقی مانند بالکن سرتاسری در بخش حیاط مرکزی ایجاد تاسیسات گرما و سرما رسانی و تاسیسات بهداشتی حمام و توالت و از همه مهمتر تبدیل و واگذاری بخش‌هایی از هتل به واحدهای تجاری و رها شدن بنای اصلی از جمله آسیب‌ها بوده است.

وی می‌گوید، تلاش کرده اصل بنا را به شکل نخست خود برگرداند و حفظ پوسته خارجی (نمای جبهه شرقی و جنوبی) هدف اصلی او بوده است. اولین اقدامش برای آسیب‌شناسی تجزیه و تحلیل‌های معماری و سازه‌ای و تهیه طرح مرمت، برداشت‌های دقیق و مستندنگاری وضع موجود هتل بوده و این امر توسط تیمی متخصص انجام شده است.

حالا که این بنای تاریخی به بخش خصوصی واگذار شده، شهروندان امیدوارند بالاخره بخت هتل ایران سفید شود و درب هتل ایران با کاربری هتل به روی گردشگران باز شود.





لزوم توجه به کنترل بیولوژیک و مبارزه کارآمد،

سالم و پایدار علیه ملخ مراکشی

مراکشی در نواحی جنوبی استان گیلان، کنترل کارآمد و پایدار این آفت با استفاده از روش های دوستدار محیط زیست ضروری است. اگرچه ترکیبات شیمیایی سنتزی که در حال حاضر استفاده می شوند ممکن است در کوتاه مدت سبب مرگ و میر در جمعیت حشرات مهاجم شوند اما در درازمدت سبب ایجاد مقاومت از سوی ملخ شده و همچنین زندگی جانوران حیات وحش را به خطر انداخته و آلودگی گسترده محیط زیست از نظر منابع آبی-خاکی را به همراه خواهند داشت. بنابراین لازم است تا مبارزه کارآمد، سالم و پایداری علیه این آفت طراحی شود. با توجه به پتانسیل زیست بوم استان گیلان از نظر غنای میکروارگانیسم های بیمارگر، می توان از آن ها در قالب کنترل بیولوژیک برای پیشگیری از طغیان ملخ های خسارتزا یا کنترل مستقیم آن ها اقدام کرد.

وی ادامه داد: این پژوهش برای بررسی امکان کاهش طغیان ملخ مراکشی اجرا شد. به گونه ای که ابتدا در قالب بررسی های آزمایشگاهی، غربالگری اولیه جدایه های مختلف قارچ *Beauveria bassiana* روی ملخ مراکشی انجام شد تا زهرآگین ترین جدایه تعیین شود.



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی- بر اساس اطلاعات موجود ملخ مراکشی، به طور سنتی به عنوان یکی از خطرناکترین آفات کشاورزی شناخته می شود. پلی فاژ بودن، پراکنش وسیع، همراه با زادآوری فراوان و قابلیت مهاجرت، این آفت را به دشمن عمده کشاورزان در برخی از مناطق تبدیل کرده است.

سمر رمزی، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان با بیان اینکه آگاهی رسانی و توصیه برای استفاده کمتر از سموم شیمیایی در کشاورزی ضروری است، گفت: با توجه به پتانسیل زیست بوم استان گیلان از نظر غنای میکروارگانیسم های بیمارگر، می توان از آن ها در قالب کنترل بیولوژیک برای پیشگیری از طغیان ملخ های خسارتزا یا کنترل مستقیم آن ها اقدام کرد.

وی که در جلسه پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان صحبت می کرد با اشاره به پژوهش مرتبط انجام گرفته با عنوان «کاربرد جدایه بومی قارچ باواریا باویانا به عنوان عامل کنترل زیستی ملخ مراکشی» که توسط اداره کل جهاد کشاورزی استان تهیه شده است، گفت: با توجه به پراکنش گسترده، حرکت سریع و تغذیه فراوان ملخ



گیلان فردا- رشت